



## کبوتر با کبوتر باز با باز

پدیدآورنده (ها) : یاحقی، محمد جعفر

ادبیات و زبانها :: نشریه بخارا :: آذر و دی ۱۳۹۹ - شماره ۱۴۰

صفحات : از ۲۵۹ تا ۲۶۱

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1763095>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۴/۰۹/۳۰

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- نقد ادبی: رمان و فلسفه
- فلسفه: استعلا از تاریخ
- درباره «پوست»
- هنر و حقیقت در نظریه زیباشناختی آدورنو
- عصر تصویر جهان
- جدال بر سر عقل: فوکو در برابر هابرماس؛ بازسازی گفت گوی انتقادی فوکو و هابرماس در باب سطوح و سویه های عقل
- رخداد و سیاست؛ گزیده ای از گفت و گوی دانیل بن سعید با آلن بدیو
- بداهت، سینما، حرکت؛ سینمای کیارستمی به روایت ژان لوک نانسی
- تجلی الهی و تولد روحانی در عرفان اسماعیلیه - بخش سوم و پایانی
- نقد ترجمه کتاب نیچه و فلسفه
- اندیشه سیاسی رضا داوری اردکانی
- جایگاه لباس در پیشبرد کنش دراماتیک در تئاتر قرن بیستم با نگرشی بر آثار کارگردانان مطرح این سده

## عناوین مشابه

- پرونده های منجر به حکم با بیش از ۲ ماه از ارسال برای تایپ، به شعبه باز نمی گردد
- سفرنامه نویسی و باز تعریف هویت ایرانی در تصادم فرهنگی با غرب
- طراحی مدل مفهومی برای توسعه نوآوری باز در پارک های علم و فناوری با استفاده از تحلیل عاملی
- اثر باز بودن اقتصاد بر روی تورم با استفاده از رگرسیون چندک
- تغییرات در تجربه و کارکرد اثر هنری در دوران تکنولوژی از دیدگاه والتر بنیامین با تأکید بر جستار اثر هنری در دوران باز تولیدپذیری تکنیکی آن
- مقایسه هوش هیجانی در بین زنان ورزشکار (با مهارت باز و بسته) و غیر ورزشکار
- ما لعبتکنايم و فلک لعبت باز (گزارشی از برگزاری سومین فستیوال بین المللی نمایش عروسکی تهران با نگاهی به چند نمایش اجرا شده
- باز آفرینی ادبیات داستانی ایران در ادبیات دراماتیک جهان با نگاه ویژه به قاضی حمص، دیوان بلخ و دلپاتس (سندبادنامه) در تاجر ونیزی ویلیام شکسپیر
- بررسی تاثیر لایه ی هوای تهویه شده در نماهای نوین با درز باز بر عملکرد حرارتی ساختمان
- رابطه غیرخطی بین درآمد و شدت انرژی در کشورهای منتخب منا (MENA) با در نظر گرفتن نقش توسعه مالی و درجه باز بودن اقتصاد

«بعد از آنکه جنازه [حضرت مولانا جلال‌الدین] را بیرون آوردند کافه اکابر و اصاغر سر باز کرده بودند و تمامت زنان و اطفال حاضر گشته رستخیزی برخاسته بود که رستخیز قیامت کبری را مانستی. همگان گریان و نعره‌زنان می‌رفتند ... آیات می‌خواندند و نوحه‌ها می‌کردند و مسلمانان به زخم چوب و ضرب کوب و شمشیر دفع ایشان نمی‌توانستند کردن و فتنه عظیم برخاسته بود».

این گوشه‌ای از سخن افلاکی بود در تشریح اوضاع قونیه در روز مرگ مولانا جلال‌الدین. من هرگاه که به این مطلب می‌رسیدم - و کم هم نرسیده‌ام - با خودم فکر می‌کردم این کدام نیروست که می‌تواند این‌گونه بر دل‌ها فرمانروایی کند! و بعد به عشق و بی‌مرزی می‌رسیدم: عشق به کاینات و بی‌مرزی در اندیشه و اعتقاد. سخت است و بسیار هم سخت است که آدمی بتواند آنقدر روح خود را گسترش بدهد که همگان او را دیوانه‌وار دوست بدارند و در سوگ او گریبان بدرند. مولانا را همه دوست داشتند به همین جهت سوگ او «قیامت کبری» را مانست. اما یادمان نرود که این قیامت کبری تنها در شهر قونیه بود که در شعاع نفوذ مولانا قرار داشت. راست است که در آن روزگار فضای مجازی نبود که لحظه‌ها و رویدادها همزمان پیش روی



• محمدجعفر یاحقی (عکس از: مریم اسلوبی)

همگان باشد، گمانم اگر هم می‌بود چنین نبود؛ چنان‌که دیروز و امروز همه جا همه کس به یک تن خیره باشند و نام شجریان با چنان حرمتی و چنین شیفته‌وار بر زبان‌ها - و چه می‌گویم بر دل‌ها - بگذرد.

در گذشته‌ها مولانا جلال‌الدین و این روزها محمدرضا شجریان بر دل‌ها فرمانروایی کردند و نشان دادند که چطور در عرصه‌ای غیر از سیاست می‌توان توده‌ها را از جا تکان داد. من جز در مورد سیاسیون، که حسابش به کنار است و جهت کار آشکار، و فوتبالیست‌ها که برخاسته از حسی زودگذر است و ناپایدار؛ ندیده‌ام که کسی بتواند چنین همه‌گیر و فراگروهی و فراکشوری و فرافرهنگی جامعه‌هایی را دردمند و آشفته‌حال سازد.

خواستم شجریان را با باربد مقایسه کنم دیدم به خطا می‌روم، که باربد - بنابر شاهنامه - چه ترفندها به کار بست تا خود را به دربار خسرو پرویز بیندازد! خواستم بگویم شجریان همان رودکی زمان ماست دیدم ناله‌ی چنگ رودکی تنها امیر سامانی را چنان به حرکت آورد «که از تخت فرود آمد و پای در رکاب خنگِ نوبتی آورد و بی‌موزه و رانین» عازم بخارا شد و مردمان مات و مبهوت از این حس چیزیی به بهره نگرفتند، که یعنی شهرت در گرو قدرتی است که به او نزدیک شده‌ای. دیدم



• استاد محمدرضا شجریان بر مزار حسن گل‌نراقی

که اینجا پای هیچ قدرتی در میان نیست که هیچ؛ چه بسا که قدرت‌ها می‌کوشند تا مردم را از او دور نگه دارند و همین بازداشتن است که او را بر سر دست‌ها نگه می‌دارد.

فردوسی با سیاست کنار نیامد، سیاست، اما دیر، به خود آمد و صلهٔ سلطان بعد از مرگ به طوس گسیل شد، شجریان هم کنار نیامد تا سیاست، اما بعد از مرگ، با او کنار آمد؛ او صلهٔ خود را از مردم گرفت.

شجریان هم سرنوشت فردوسی بود که سرنوشت با بازی شیرین خود این دو را امروز در کنار هم نشاناند.

کبوتر با کبوتر باز با باز.

مشهد، ۱۹ مهرماه ۱۳۹۹